

تحلیل انتقادی گفتمان دو اثر طنزآمیز «دیوان خروس لاری» از ابوالقاسم حالت و «مجموعه آثار محمد علی افراشته» براساس الگوی ون لیوون (۱۹۹۶م.)

مهرناز عسگری*

دکتر مهیود فاضلی**

استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه الزهرا

دکتر سهیلا صلاحی مقدم

دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه الزهرا

چکیده

موضوع این جستار تحلیل انتقادی گفتمان دو اثر طنزآمیز «دیوان خروس لاری» از ابوالقاسم حالت و «مجموعه آثار محمد علی افراشته» به کوشش نصرت الله نوح، براساس الگوی ون لیوون (۱۹۹۶م.) است. هدف این پژوهش، بررسی تأثیر قدرتهای حاکم و فرایندهای ایدئولوژیکی دوران پهلوی دوم بر میزان صراحت و پوشیدگی کلام در این دو اثر است. در این مقاله کارگزارانی که در این اشعار طنزآمیز حضور و مشارکت دارند براساس عوامل الگوی ون لیوون چون حذف، تشخیص زدایی، مشخص سازی، نامشخص سازی، نامدهی، طبقه بندی، پیوند زدن، جدا کردن، جنس ارجاعی و نوع ارجاعی بررسی می شوند. دلیل انتخاب این دو اثر این است که دیدگاه های این طنزپردازان در دوران پهلوی دوم از آبشخورهای مشترک سیاسی و اجتماعی سرچشمه می گیرد؛ اما آنان ایدئولوژی و گرایشهای متفاوتی نیز دارند. بنابراین وجود مشترکات و مفترقات گوناگون، زمینه مقایسه میان آنها را فراهم می سازد. نتایج این پژوهش نشان می دهد با اینکه هر دو طنزپرداز به پوشیده گویی تمایل بیشتری دارند و طبقه بندی و تشخیص زدایی در اشعار آنان بیشتری بسامد را دارد؛ اما محمد علی افراشته بر

خلاف ابوالقاسم حالت با نامدهی کارگزارانی که بر مسند قدرت قرار دارند و همچنین انتقاد از ارکان اصلی قدرت چون شاه، دربار، روحانیون و نیروهای امنیتی بر صراحت کلام خود افزوده است. محمدعلی افراشته هم‌چنین به دلیل گرایش سوسیالیستی از عامل جنس ارجاعی برای بازنمایی توده و خلق بیشتر بهره برده است. ابوالقاسم حالت نیز با کاربرد بیشتر عامل نامشخص‌سازی یعنی ضمائر و صفات مبهم، کلام خود را پوشیده‌تر کرده است.

کلیدواژه‌ها: تحلیل انتقادی گفتمان، طنز ابوالقاسم حالت، طنز محمدعلی افراشته، شعر معاصر فارسی.

۱. مقدمه

یکی از گفتمانهای رایج پس از مشروطیت، گفتمان انتقادی طنز است. شاعران و نویسندگان بسیاری تاکنون در حوزه طنز قلم‌پردازی کرده‌اند که یکی از آنها، ابوالقاسم حالت است. ابوالقاسم حالت در عرصه طنز، صاحب سبک و برجسته بود و طنز را حربۀ برنده اصلاح جامعه می‌دانست (رضوی، ۱۳۹۵: ۶۰۸-۶۰۹). «دیوان خروس لاری» یکی از مهمترین آثار طنز او به‌شمار می‌رود. این کتاب دربردارنده شمار بسیاری از اشعار طنزآمیزی است که ابوالقاسم حالت در سالهای ۱۳۵۰-۱۳۱۸ ش. با امضای مستعار خروس لاری منتشر کرده است. بیش از نود درصد قطعات این کتاب در هفته‌نامه توفیق و دیگر اشعار او نیز در هفته‌نامه‌های دیگر به چاپ رسیده است.

از دیگر طنزپردازان شاخص عصر پهلوی، محمدعلی افراشته است. وی شاعری مردمی، و یکی از شاعران بزرگ حزب توده ایران به‌شمار می‌آید. محمدعلی افراشته آثار خود را تا سال ۱۳۲۷ ش. در نشریات حزب توده ایران چاپ می‌کرد و از سال ۱۳۲۹ ش. نیز به انتشار روزنامه طنزآمیز چلنگر اقدام کرد. وی پس از کودتای مرداد ۱۳۳۲ ش. با کمک حزب توده به بلغارستان گریخت و در سال ۱۳۳۸ ش. در همان کشور دیده از جهان فرو بست. نصرت‌الله نوح پس از انقلاب، آثار محمدعلی افراشته را گردآوری و کتاب «مجموعه آثار محمد علی افراشته» را منتشر کرد.

طنزپردازان، خواهان اصلاح نابسامانیها و درهم شکستن عوامل کژیها و پلیدیها هستند. طنز به دلیل هدف والایی که دارد، نوع ادبی مهمی تلقی می‌شود. در این مقاله نیز با توجه به اهمیت نوع ادبی طنز بر آنیم تا روابط قدرت و سلطه و ایدئولوژیهای مؤثر

بر آفرینش دو اثر شاخص دو طنزپرداز بزرگ معاصر، «دیوان خروس لاری» از ابوالقاسم حالت و «مجموعه آثار محمدعلی افراشته» را نقد و بررسی کنیم. درباره علت کاربست الگوی ون لیوون (۱۹۹۶ م) در این مقاله نیز باید گفت که این نظریه، الگویی جامعه شناختی_معنایی برای تحلیل شرایط مؤثر بر تولید متن ارائه می‌کند براساس این نظریه با تحلیل و بررسی شیوه بازنمایی کارگزاران اجتماعی^۱ می‌توان به مناسبات قدرت و سلطه و منظوره‌های پوشیده صاحبان گفتمان پی برد. از آنجا که پرداختن به شخصیت‌ها و اقشار گوناگون جامعه از مهمترین ویژگیهای گفتمان انتقادی طنز به‌شمار می‌رود با بهره‌گیری از این الگو می‌توان به نقد و بررسی آثار طنزآمیز پرداخت. از سوی دیگر با بهره‌گیری از این الگو می‌توان میزان صراحت و پوشیدگی آثار طنزآمیز و ارتباط آن را با عوامل ایدئولوژیک و مناسبات قدرت تبیین و تحلیل کرد.

مسئله اصلی پژوهش این است که مناسبات قدرت و سلطه و فرایندهای ایدئولوژیکی در دوره پهلوی دوم بر شیوه بازنمایی کارگزاران اجتماعی و میزان صراحت و پوشیدگی کلام در «دیوان خروس لاری» و «مجموعه آثار محمدعلی افراشته» چه تأثیری داشته است؛ هم‌چنین این امر مشخص شود که کدام یک از این دو طنزپرداز راه به احتیاط بیشتری پیموده است و انتقادات وی صراحت کمتری دارد.

در باب انتخاب این دو طنزپرداز باید گفت که ابوالقاسم حالت و محمدعلی افراشته دو تن از طنزپردازان شاخص معاصر هستند و «دیوان خروس لاری» و «مجموعه آثار محمدعلی افراشته» بسان آینه‌ای است که موقعیت و تحولات سیاسی، اجتماعی و ایدئولوژیکی و مناسبات قدرت و سلطه را پس از آغاز سلطنت پهلوی دوم بازتاب می‌دهد. «دیوان خروس لاری» دربردارنده آثار طنز ابوالقاسم حالت در سالهای دهه بیست تا پنجاه شمسی و «مجموعه آثار محمدعلی افراشته» نیز شامل آثار طنزآمیز وی در دهه بیست و سی شمسی است؛ بدین ترتیب با اینکه اشعار طنزآمیز «دیوان خروس لاری»، دوره زمانی بیشتری را در بر می‌گیرد، این دو اثر در دهه‌های بیست و سی شمسی از یک آب‌شخور سیاسی و اجتماعی مشترک، سرچشمه می‌گیرند.

در زمینه ایدئولوژیکی نیز محمدعلی افراشته و ابوالقاسم حالت گرایشهای متفاوتی داشتند؛ چنانکه، محمدعلی افراشته بر خلاف ابوالقاسم حالت، عضو حزب توده بود و گرایشهای کمونیستی داشت. وی از روزنامه چلنگر برای بیان مواضع حزب توده بهره

می‌گرفت. حزب توده در دهه بیست شمسی، بزرگترین و پرطرفدارترین حزب کشور به‌شمار می‌رفت و تظاهرات و اعتصابات گوناگونی را در سراسر کشور سازماندهی می‌کرد. با غیرقانونی اعلام شدن این حزب در سال ۱۳۲۷ش. بسیاری از رهبران آن محاکمه و زندانی شدند. پس از این واقعه، طرفداران این حزب مخفیانه به فعالیت خود ادامه دادند. در سالهای ۱۳۳۲-۱۳۲۹ش. این حزب به تجدید حیات پرداخت؛ اما پس از کودتای سال ۱۳۳۲ش. به‌شدت سرکوب شد. نتیجه این عوامل در شکل‌گیری گفتمان طنز محمدعلی افراشته و صراحت و پوشیدگی کلام وی تأثیر مهمی نهاده است. از سوی دیگر ابوالقاسم حالت دارای اعتقادات عمیق مذهبی بود و در کنار فعالیت در عرصه طنزپردازی، اشعار مذهبی و عرفانی نیز می‌سرود. وی همچنین به مسلک و جناح خاصی گرایش نداشت و در مقام طنزپردازی مستقل به انتقاد از نابسامانیها و مفاسد گوناگون سیاسی، اجتماعی و... می‌پرداخت؛ بدین ترتیب وجود مشترکات و مفترقات گوناگون، زمینه مقایسه این دو طنزپرداز را فراهم می‌سازد.

بسیاری از تحلیلگران و منتقدان، ابوالقاسم حالت را در مقایسه با شاعران و نویسندگانی چون محمدعلی افراشته در زمره محافظه‌کاران طبقه‌بندی کرده‌اند. از سوی دیگر، برخی دیگر از منتقدان، این نوع تحلیلها را عاری از صحت و ارزش می‌دانند (رضوی، ۱۳۹۵: ۶۰۴). بنابراین، این مقاله در پی آن است تا به شیوه‌ای علمی و مستدل ثابت کند که کدام یک از این دو طنزپرداز به پوشیده‌گویی تمایل بیشتری دارد و جانب احتیاط را در انتقادات خود رعایت کرده است.

این مقاله به پرسش‌های زیر پاسخ می‌دهد:

- محمدعلی افراشته و ابوالقاسم حالت از کدام یک از عوامل الگوی ون لیوون بیشتر بهره گرفته‌اند؟

- مناسبات قدرت و سلطه و فرایندهای ایدئولوژیکی بر شیوه بازنمایی کارگزاران اجتماعی و میزان صراحت و پوشیدگی کلام در اشعار ابوالقاسم حالت و محمدعلی افراشته چه تأثیری داشته است؟

فرضیات این پژوهش بدین شرح است:

- در اشعار هر دو طنزپرداز، عوامل پوشیده‌گویی چون طبقه‌بندی، تشخیص‌زدایی و مشخص‌سازی چند موری بسامد بسیاری دارد.

- صراحت کلام در آثار ابوالقاسم حالت و محمدعلی افراشته در سالهای ۱۳۳۲-۱۳۲۰ش. افزایش می‌یابد؛ اما انتقادات محمدعلی افراشته در این زمان به دلیل عضویت در حزب توده و مبارزه با ساختار طبقاتی موجود شدیدتر است. ارکان قدرت نیز گسترده‌تر و با صراحت بیشتر هدف انتقاد وی قرار می‌گیرد. پس از کودتای ۱۳۳۲ش. نیز، تمایل به پوشیده‌گویی در طنزهای ابوالقاسم حالت فزونی می‌یابد.

نگاهی به مفهوم طنز و تحلیل انتقادی گفتمان

درونیامیه آثار طنزآمیز غالباً، انتقاد از نابسامانیها و معایب جنبه‌های مختلف زندگی است. طنز در پوششی از استهزا و نیش‌خند به بیان مفاهیم تند اجتماعی، انتقادی و سیاسی و یا افشای حقایق تلخ و تنفرآمیز ناشی از فساد و بی‌رسمی‌های فرد یا جامعه می‌پردازد (بهزادی اندوهجردی، ۱۳۷۸: ۵-۶). طنز علاوه بر اینکه نوعی شیوه سخن گفتن است، خود می‌تواند نوعی گفتمان باشد؛ گفتمانی که در لایه‌های زیرین آن انگیزه‌های اصلاح طلبانه و انتقاد از نابسامانی‌ها نهفته است و از آن برای تقابل با قدرتهای غیرمشروع و سلطه بهره گرفته می‌شود.

زبان در تحلیل انتقادی گفتمان به عنوان عملی اجتماعی در ارتباط با ایدئولوژی، قدرت، تاریخ و جامعه مطالعه می‌شود (آقاگل‌زاده، ۱۳۹۴: ۱۱). در تحلیل انتقادی گفتمان برای بررسی پدیده‌های زبانی و رفتار گفتمانی به فرایندهای ایدئولوژیک در گفتمان، روابط بین زبان و قدرت، ایدئولوژی، سلطه و قدرت، پیشفرضهای دارای بار ایدئولوژیک در گفتمان، بازتولید اجتماعی ایدئولوژی، زور، قدرت و سلطه و نابرابری در گفتمان توجه می‌شود (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۲).

۲. پیشینه پژوهش

اسدالله جعفری (۱۳۹۰)، *شگردهای زبانی و ادبی ابوالقاسم حالت در آثار طنز او*، پایان‌نامه ارشد، دانشگاه پیام نور شیراز. در این پایان‌نامه عناصر زیبایی‌آفرینی سخن در آثار ابوالقاسم حالت بررسی، و به تحلیل زبان طنز وی پرداخته شده است.

سمیه جوکار (۱۳۹۰)، *تحلیل گفتمان انتقادی اشعار بهار براساس الگوی ون لیوون*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز. نتایج این پژوهش نشان‌دهنده این است که

بهار برای بازنمایی فعالان سیاسی و اربابان قدرت از صریح‌ترین عامل یعنی نام بری و فردی سازی، استفاده کرده است.

اسد رجب نواز بیجار بس (۱۳۹۳)، تحلیل درونمایه‌های طنز محمدعلی افراشته، کنگره ملی پژوهش‌های کاربردی علوم انسانی اسلامی. در این مقاله درونمایه‌های طنز محمدعلی افراشته در سه محور اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بدون بهره‌گیری از عوامل الگوی ون لیوون بررسی شده است.

شاداب شریعت پناه (۱۳۹۲)، تحلیل گفتمان و غوغ ساهاب بر پایه نظریه عمومی طنز کلامی و رویکرد اجتماعی _ شناختی ون دایک، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد. نتایج این پایان‌نامه نشان‌دهنده این است که از میان شش متغیر پایه نظریه عمومی طنز کلامی، دو متغیر زبان و هدف در شکل‌گیری طنز و غوغ ساهاب، نقش بسیار مهمی دارد.

سیامک صاحبی و همکاران (بهار ۱۳۸۹)، بررسی و نقد روایی گلستان براساس نظریه تحلیل انتقادی گفتمان، فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره ۱۶. نتایج این پژوهش نشان‌دهنده این است که سعدی با بافت‌زدایی زمانی، مکانی، تاریخی و سیاسی و پوشیده کردن کارگزاران حکایات، پیام خود را از زبان اینان برجسته می‌کند و اثر خود را در ورای زمان برای تمامی عصرها و نسلها جاودان می‌سازد.

جهانگیر صفری (۱۳۷۸)، نقد و بررسی طنز، هجو و هزل از مشروطه تا ۱۳۳۲، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس. در این رساله آثار طنزآمیز ده ادیب شاخص معاصر نقد و بررسی شده است. نتیجه این پژوهش نشان می‌دهد که سیداشرف‌الدین گیلانی و ابوالقاسم حالت از نظر فراوانی و گونه‌گونی آثار از دیگران برتر هستند.

سجاد عباسی هفشجانی و همکاران (پاییز ۱۳۹۳)، تحلیل گفتمان شعر طنز مشروطه (نگاهی به قطب‌بندیهای اشعار مشهورترین شاعران این دوره)، فصلنامه علمی_ پژوهشی پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی، دوره ۵، ش ۱۷. در این مقاله با بهره‌گیری از الگوی تحلیل گفتمان فرکلاف، قطب‌بندیهای حاکم بر اشعار شاعران عصر مشروطه بررسی می‌شود. نتیجه این پژوهش نشان می‌دهد که قطب قدرت‌محور حکومت، دولتیان و بیگانگان در برابر قطب فاقد قدرت مردم، روشنفکران و مبارزان قرار می‌گیرد.

مریم سادات کیایی (۱۳۹۳)، تحلیل گفتمان دو روزنامه برجسته عصر مشروطه: ایران نو و حبل‌المتین، پایان‌نامه ارشد، دانشگاه الزهرا (س). در این مقاله با بهره‌گیری از الگوی ون لیوون این دو نشریه بررسی می‌شود. نتایج این پژوهش نشان‌دهنده این است که عامل اظهار از بیشترین بسامد وقوع برخوردار است. در مورد احمد شاه و بزرگان هم از عامل نقش‌دهی بهره گرفته می‌شود. روزنامه ایران نو هم از عامل مکان‌مداری در مورد مجلس بسیار استفاده می‌کند.

لطف‌الله یارمحمدی (۱۳۸۹)، ارتباطات از منظر گفتمان‌شناسی انتقادی، تهران: هرمس. مقاله سوم این کتاب با عنوان «بازنمایی کارگزاران اجتماعی در منازعات فلسطین و اسرائیل از طریق ساختارهای گفتمان مدار جامعه‌شناختی- معنایی» به بررسی گزیده‌هایی از روزنامه‌های فارسی‌زبان (کیهان، رسالت، همشهری و آفتاب یزد) و انگلیسی‌زبان (گاردین، ایندپندنت، واشنگتن‌پست و شیکاگو سان تایمز) براساس الگوی ون لیوون اختصاص می‌یابد.

با توجه به بررسیها، هیچ پژوهشی مبنی بر تحلیل انتقادی گفتمان دو اثر طنزآمیز «دیوان خروس لاری» و «مجموعه آثار محمدعلی افراشته» بر مبنای الگوی جامعه‌شناختی- معنایی ون لیوون مشاهده نشد.

۳. روش پژوهش

در این پژوهش «دیوان خروس لاری» و «مجموعه آثار محمدعلی افراشته» براساس الگوی ون لیوون (۱۹۹۶م) تحلیل و بررسی می‌شود. این الگو دربردارنده مجموعه‌ای از عوامل جامعه‌شناختی- معنایی است که براساس آنها شیوه‌های بازنمایی کارگزاران اجتماعی بررسی می‌شود. در این الگو منظور از کارگزاران اجتماعی، مجموعه‌ای از کنشگرانی است که در هر رخداد، کنش اجتماعی و یا گفتمان حضور و مشارکت دارند. عوامل الگوی ون لیوون

مهمترین عوامل الگوی ون لیوون عبارت است از: حذف^۱، اظهار^۲، تشخیص‌بخشی^۴، تشخیص‌زدایی^۵، مشخص‌سازی^۶، نامشخص‌سازی^۷، پیوند زدن^۸، جدا کردن^۹، نامدهی^{۱۰}، طبقه‌بندی کردن^{۱۱}، جنس ارجاعی^{۱۲} و نوع ارجاعی^{۱۳}.

مجموع عوامل الگوی ون لیوون به دو گروه کلی حذف و اظهار تقسیم می‌شود. در حذف، کارگزاران اجتماعی به‌صورت پنهان‌سازی^{۱۴} و یا کم‌رنگ‌سازی^{۱۵} بازنمایی

می‌شوند. در پنهان‌سازی در سراسر متن هیچ ارجاعی به کارگزاران اجتماعی دیده نمی‌شود؛ اما در کمرنگ‌سازی، نشانی از کارگزاران حذف شده را در بخش دیگری از متن می‌توان مشاهده کرد. (Van Leeuwen, 1996:p 39) دیگر عوامل الگو در زیر مجموعه اظهار قرار می‌گیرد.

تشخص‌بخشی و تشخص‌زدایی: براساس عامل تشخص‌بخشی به کارگزاران، ویژگی انسانی داده، و در تشخص‌زدایی نیز به‌صورت غیرانسانی بازنمایی می‌شود. تشخص‌زدایی به دو شیوه انتزاعی کردن^{۱۶} و عینی کردن^{۱۷} تحقق می‌یابد. در انتزاعی کردن، کارگزاران با صفت و ویژگی‌ای که به آنان نسبت داده می‌شود، بازنمایی می‌شوند. در عینی کردن نیز کارگزاران اجتماعی با ارجاعات مجازی ادراک می‌شوند؛ یعنی یا با توجه به مکان و ابزاری که با فعالیت آنان ارتباط دارد و یا با ارجاع به اندام و یا گفتارشان بازنمایی می‌شوند (Van Leeuwen, 2008:p 46-47).

مشخص‌سازی و نامشخص‌سازی: در مشخص‌سازی، هویت کارگزار اجتماعی به گونه‌ای مشخص، روشن و شناخته شده است. مشخص‌سازی یا تک‌موردی^{۱۸} و یا چندموردی است^{۱۹}. براساس عامل مشخص‌سازی تک‌موردی، کارگزاران اجتماعی در آن واحد، در یک عمل و یا نقش اجتماعی مشخص شرکت می‌کنند. مشخص‌سازی چندموردی نیز به‌صورت وارونگی^{۲۰}، نمادین‌شدگی^{۲۱}، دلالت‌ضمنی^{۲۲} و فشرده‌شدگی^{۲۳} تحقق می‌یابد. در حالت وارونگی، کارگزار با دو نقش متضاد و وارونه بازنمایی می‌شود، در نمادین‌شدگی، کارگزاران خیالی، اسطوره‌ای و یا داستانی به جای کارگزاران واقعی به‌کار می‌روند. در حالت دلالت‌ضمنی ممکن است که کارگزاری مشخص و منحصر به فرد در عین حال، مقوله یا نقش دیگری را بر عهده داشته باشد، فشرده‌شدگی نیز مشخص‌سازی را از طریق ترکیبی از تعمیم و تجرید محقق می‌سازد. در نامشخص‌سازی نیز هویت کارگزار اجتماعی ناشناخته و گمنام است و این امر از طریق به‌کارگیری ادات ابهام و ضمایر مبهم به‌دست می‌آید (یارمحمدی، ۱۳۸۹: ۷۰-۷۱).

پیوند زدن و جدا کردن: در پیوند زدن، کارگزاران اجتماعی در رابطه با فعالیت ویژه‌ای با یکدیگر متحد می‌شوند؛ اما این پیوند، نهادینه و پایدار نیست و ممکن است در موضوع دیگری، این وحدت نظر نباشد. جدا کردن نیز با ایجاد تفاوت میان خود و دیگران و میان ما و آنها ایجاد می‌شود. براساس این عامل گفتمان‌مدار، فرد یا گروهی از

کارگزاران اجتماعی از دیگر گروه‌های مشابه جدا می‌شود (Van Leeuwen, 2008: p 38-40).

نامدهی و طبقه‌بندی کردن: کارگزاران اجتماعی یا از لحاظ هویت منحصر به فردشان نامدهی و یا از لحاظ همسانی و نقشی طبقه‌بندی می‌شوند که با دیگران مشابه است (Van Leeuwen, 1996: p 52). براساس عامل طبقه‌بندی، کارگزاران یا براساس نقشی^{۲۴} که به آن داده می‌شود و یا کاری که انجام می‌دهند و یا برحسب ارزشی فرهنگی و اجتماعی^{۲۵} بازنمایی می‌شوند. طبقه‌بندی به شیوه‌های هویت‌بخشی مقوله‌ای^{۲۶}، نسبتی^{۲۷} و ظاهری^{۲۸} نیز، انجام می‌شود. در هوت بخشی مقوله‌ای افراد براساس قراردادهای طبیعی، فرهنگی و تاریخی مانند نژاد، قومیت، جنس، دین و حرفه طبقه‌بندی می‌شوند. در هویت‌بخشی نسبتی براساس روابط خویشاوندی، دوستی یا شغلی و در هویت‌بخشی ظاهری نیز برحسب ویژگیهای ظاهری و اندامی طبقه‌بندی می‌شوند (یارمحمدی، ۱۳۸۹: ۷۳-۷۴).

جنس ارجاعی و نوع ارجاعی: در عامل جنس ارجاعی، کارگزاران به صورت عام و در نوع ارجاعی به شیوه خاص، بازنمایی می‌شوند. نوع ارجاعی شامل دو زیر مقوله فرد ارجاعی^{۲۹} و گروه ارجاعی^{۳۰} است و گروه ارجاعی هم دربردارنده دو زیرمجموعه کلی ارجاعی^{۳۱} و مجموعه ارجاعی^{۳۲} است. در نوع اول به کارگزاران به صورت کلی اشاره می‌شود و در نوع دوم، کارگزاران در هیئت اعداد و ارقام عرضه می‌شوند (همان: ۷۴-۷۵؛ یارمحمدی، ۱۳۹۳: ۱۷۶).

به طور کلی، مجموع عوامل الگوی ون لیوون را می‌توان به دو گروه صراحت‌بخشی و پوشیده‌گویی تقسیم کرد. در گروه پوشیده‌گویی، شاخصهای حذف، تشخیص‌زدایی، جنس ارجاعی، طبقه‌بندی کردن، نامشخص‌سازی و مشخص‌سازی چند موردی قرار می‌گیرد. عامل صراحت‌بخشی کلام نیز عبارت است از: نوع ارجاعی، پیوند زدن، جدا کردن و نامدهی (یارمحمدی، ۱۳۸۹: ۸۴).

ون لیوون معتقد است که در تحلیل انتقادی گفتمان بهتر است از عوامل جامعه‌شناختی- معنایی استفاده شود؛ زیرا میان شاخصهای زبان‌شناختی و نقشهای آن، رابطه صددرصد مستقیمی نیست و همیشه نقشهای دستوری با نقشهای جامعه‌شناختی یکسان نیست (همان: ۶۵-۶۹). عوامل جامعه‌شناختی- معنایی الگوی ون لیوون با نموده‌های خاص زبانی و بلاغی نیز پیوند می‌یابد؛ اما تمرکز اصلی ون لیوون بر عوامل

جامعه‌شناختی_ معنایی است (Van Leeuwen, 1996:p 34). به‌عنوان مثال اگر میان کارگزارانی که در زمینه دیدگاه و یا فعالیت ویژه‌ای اتحاد دارند، حروف پیوند ذکر نشود از نظر دستوری عامل پیونددهی ایجاد نمی‌شود؛ اما در این موارد، بنا بر الگوی ون لیوون از نظر معنایی عامل پیونددهی به‌دست می‌آید.

پیوند الگوی ون لیوون را با دستور زبان، می‌توان در عوامل نامشخص‌سازی، جنس و نوع ارجاعی و زیرمجموعه نقش‌دهی مشاهده کرد. عامل نقش‌دهی غالباً در برخی ساختهای اسم مرکب و یا از ترکیب اسم یا بن فعل با وندهای گوناگون حاصل می‌شود که بر نقش و یا شغل دلالت می‌کند. هم‌چنین عامل نامشخص‌سازی نیز با بررسی صفات و ضمائر مبهم و اسامی نکره مشخص می‌شود. در شناسایی جنس و نوع ارجاعی نیز می‌توان از اسم عام و خاص در دستور زبان بهره گرفت. هم‌چنین کاربرد علوم بلاغی را در تشخیص ارجاعات مجازی در زیرمجموعه عینی کردن و شناسایی تشبیه، استعاره و نماد در عامل مشخص‌سازی چند موردی می‌توان مشاهده کرد. بنابراین برای تحلیل و بررسی اغلب عوامل الگوی ون لیوون، بهره‌گیری از علوم دستوری و بلاغی امری اجتناب‌ناپذیر است.

به‌طور کلی کاربرد الگوی ون لیوون در این مقاله موجب شده است تا با رویکردی نوین در چارچوب علوم دستوری و بلاغی به تحلیل و بررسی کارگزاران اجتماعی در دو اثر طنزآمیز «دیوان خروس لاری» و «مجموعه آثار محمدعلی افراشته» پرداخته شود؛ سپس با بررسی شیوه بازنمایی کارگزاران اجتماعی در این دو اثر، تأثیر قدرتها و ایدئولوژیهای حاکم بر تولید این اشعار تحلیل و تبیین، و هم‌چنین تأثیر این عوامل بر میزان صراحت و پوشیدگی کلام طنزپردازان مشخص شود.

روش پژوهش بدین ترتیب است که با بررسی کل اشعار «دیوان خروس لاری» و «مجموعه آثار محمدعلی افراشته»، عوامل گفتمان‌مدار الگوی ون لیوون از تعبیرات و جملات گفتمان‌مدار این اشعار استخراج می‌شود؛ سپس ارتباط آنها با ایدئولوژیها و مناسبات قدرت حاکم بر آثار تبیین و بررسی می‌شود. هم‌چنین، میزان صراحت و پوشیدگی کلام نیز در این اشعار طنزآمیز انتقادی مشخص، و سپس به مقایسه دو اثر پرداخته خواهد شد. در زمینه بررسی کمی پژوهش نیز عوامل گفتمان‌مدار هر یک از این آثار به‌صورت درصد و بسامد محاسبه خواهد شد.

۴. بحث و بررسی

۴-۱ نگاهی به مضمونهای طنزآمیز و ایدئولوژیهای حاکم بر «دیوان خروس لاری» و «مجموعه آثار محمد علی افراشته»

سه مضمون اصلی «دیوان خروس لاری»، طنز سیاسی، طنز اجتماعی و طنز اخلاقی است. در محتوای این اشعار می‌توان بازتاب گرایشهای گوناگون ابوالقاسم حالت از جمله اعتقادات مذهبی، پدرسالاری سنتی، ملی‌گرایی، مخالفت با عملکرد دولتها و نمایندگان، انتقاد از نفوذ قدرتهای غربی در کشور و رواج فرهنگ غربی، مخالفت با گرایشهای کمونیستی، انتقاد از شکاف طبقاتی، تأکید بر ارزشهای اخلاقی و گرایشهای زن‌ستیزی را مشاهده کرد.

مهمترین مضمونهای طنزآمیز «مجموعه آثار محمدعلی افراشته»، طنز سیاسی، اجتماعی و دینی است. درونمایه اصلی این اشعار به بیان مواضع حزب توده و گرایشهای کمونیستی محمدعلی افراشته اختصاص یافته است؛ چنانکه بازتاب یکی از مهمترین برنامه‌های حزب توده یعنی «برابری کامل اجتماعی همه شهروندان ایرانی بدون توجه به مذهب و نژاد [و]... اهمیت بسیج «طبقات استثمار شده» علیه طبقات فئودال و سرمایه‌دار استثمارگر» (آبراهامیان، ۱۳۸۴: ۳۶۳) را می‌توان در این اشعار مشاهده کرد. او از رواج ایدئولوژی پان ایرانیستی، گرایشهای امپریالیستی و نفوذ قدرتهای غربی در کشور بشدت انتقاد می‌کند. با اینکه در اشعار محمدعلی افراشته می‌توان اعتقادات مذهبی وی را مشاهده کرد با عقیده تسلیم در برابر قضا و قدر الهی مخالفت می‌ورزد. او هم‌چنین به برابری زن و مرد اعتقاد دارد.

۴-۲ بررسی و مقایسه «دیوان خروس لاری» و «مجموعه آثار محمدعلی افراشته» براساس عوامل گفتمان‌مدار الگوی ون لیوون

در این بخش با توجه به عوامل الگوی ون لیوون، نمونه‌هایی از شیوه‌های بازنمایی کارگزاران اجتماعی در اشعار دو طنزپرداز ارائه، و سپس این آثار براساس این عوامل تحلیل و مقایسه می‌شود.

۴-۲-۱ عوامل پوشیده‌گویی

تحلیل و بررسی اشعار ابوالقاسم حالت و محمدعلی افراشته براساس عوامل پوشیده‌گویی الگوی ون لیوون بدین شرح است:

۱-۲-۴ طبقه‌بندی

در «دیوان خروس لاری» و «مجموعه آثار محمدعلی افراشته»، عامل طبقه‌بندی بیشترین بسامد را دارد. این امر نشان می‌دهد که هر دو طنزپرداز غالباً به صراحت بخشی کلام خود با بازنمایی کارگزاران براساس هویتی خاص تمایلی ندارند؛ بلکه آنان، بیشتر کارگزاران را براساس دو زیر مجموعه طبقه‌بندی، یعنی هویت بخشی مقوله‌ای و نقش دهی، بازنمایی می‌کنند. در این روش، تأکید اصلی بر نقش، حرفه و طبقه اجتماعی کارگزاران است.

در «دیوان خروس لاری» هدف اصلی انتقادی در میان کارگزاران سیاسی، دو طبقه دولتمردان و وکلا هستند. ابوالقاسم حالت، نهادهای قدرت مجلس و دولت را، که در نتیجه نظام مشروطیت و آزادی خواهی در کشور ایجاد شده بود در مرکز دایره فساد قرار می‌دهد. این امر می‌تواند نشان‌دهنده این باشد که در دوره پهلوی دوم بویژه تا سال ۱۳۳۲ش. خط قرمزی درباره انتقاد از این دو کانون قدرت وجود ندارد؛ اما ابوالقاسم حالت تقریباً در تمام موارد با رعایت احتیاط به هویت خاص این کارگزاران اشاره‌ای نمی‌کند و آنان را با عوامل پوشیده‌گویی بویژه براساس نقش و حرفه‌شان بازنمایی می‌کند. وی نابسامانیها و مفاسد اجتماعی را ناشی از عملکرد این دو طبقه سیاسی می‌داند و آنان را با ارزشدهی منفی بازنمایی می‌کند.

به وزیری خبرنگاری گفت	کای خداوند ثروتی هنگفت
عوض کار از چه با تفضیل	هی به ما حرف می‌دهی تحویل؟
گفت من نیز اهل ایرانم	لنگه سایر وزیرانم
هر که گیرد بر این اریکه قرار	زو نبیند خلق جز گفتار

(حالت، ۱۳۶۲: ص ۵۲۶)

به جناب این وزیران که برد پیام ماها
که همه وبال و وزر است وزارت شماها
(همان: ۷) و...

در «دیوان خروس لاری»، طبقه نمایندگان غالباً با ارزشدهی منفی بازنمایی می‌شوند. مواردی از قبیل اختلافات و کشاکشهای شخصی نمایندگان، بی‌توجهی به امور ملت، بهره‌گیری از استیضاح بویژه در دهه بیست شمسی برای منافع شخصی و... همواره هدف انتقاد ابوالقاسم حالت قرار می‌گیرد.

از آغاز دهه بیست شمسی تا کودتای سال ۱۳۳۲ش. مجلس به یکی از ارکان اصلی قدرت

قدرت در کشور تبدیل شده بود.

یکی از ویژگیهای مجلس [در این دوران] دوره کوتاه دو ساله آن بود... دیگری امکان استیضاح مکرر دولت از سوی نمایندگان بدون توجه به برنامه کار مجلس بود. این ویژگی نیز به سهم خود عامل مهمی در بی‌ثباتی دولتها بود... افزون بر اینها بویژه در مورد دهه ۲۰ش، باید از باندبازی، فراکسیون‌گرایی...، کم‌سوادی، کوتاه‌بینی، خودخواهی و جاه‌طلبی بیشتر نمایندگان... و بویژه از سست عنصری، عدم قاطعیت، روحیه نوکر مآبی و فرصت‌طلبی آنان یاد کرد (رحمانیان، ۱۳۹۴: ۳۵۳).

بازتاب بسیاری از ویژگیهای منفی نمایندگان را در اشعار ابوالقاسم حالت می‌توان مشاهده کرد؛ به‌عنوان مثال ابوالقاسم حالت در شعری که در آبان سال ۱۳۲۲ ش. سروده است، بدون نامدهی نخست وزیر و نمایندگان، آنان را براساس عامل طبقه‌بندی بازنمایی، و از کشاکش میان آنان و بهره‌جویی نمایندگان از حربه استیضاح برای دستیابی به اهدافشان انتقاد می‌کند.

در آن زمان نخست وزیر وقت، علی سهیلی با فراکسیون میهن در مجلس بر سر انتخاب پست وزارت کشور به‌دلیل نزدیک شدن انتخابات مجلس چهاردهم رقابت می‌کردند؛ زیرا وزارت کشور، استانداران، فرمانداران و شوراهای نظارت بر انتخابات را تعیین می‌کرد و از این رو پست مهمی تلقی می‌شد (آبراهامیان، ۱۳۸۴: ۲۲۷-۲۲۸). نمایندگان نیز برای رسیدن به این مقصود، نخست وزیر را با حربه استیضاح تحت فشار قرار می‌دادند.

تو آن نخست وزیری که بی‌گمان داری	خبر ز عاقبت ماجرای استیضاح
همیشه باش مهیای خدمت وکلا	وگر نه باش مهیا برای استیضاح...
هزار خواهش بیجا ز جانب وکلا	بود همیشه نهان لابه‌لای استیضاح

(حالت، ۱۳۶۲: ۱۳۶)

در شعر دیگری نیز از نمایندگان انتقاد می‌کند که بر سر اغراض شخصی با یکدیگر رقابت دارند؛ اما با کاربرد دو عامل طبقه‌بندی و نامشخص‌سازی (صفت مبهم عده‌ای)، هویت خاص این نمایندگان را پنهان می‌سازد.

دارند همیشه عده ای از وکلا	با هم سر اغراض خصوصی دعوا
	(همان: ۱۰) و...

از مهمترین نهادهای قدرت در سلطنت پهلوی باید به نیروهای مسلح و نهادهای امنیتی اشاره کرد. شاه از آغاز سلطنت، همواره خواستار اعمال نفوذ در ارتش بود و به آن

به عنوان یکی از ارکان اصلی قدرت خود می‌نگریست. در میان ۷۱۰ شعر در «دیوان خروس لاری»، تنها در دو بیت از این کارگزاران انتقاد شده است. در این مثال کارگزاران افسر و سردار با ترکیبی از عوامل طبقه‌بندی و نامشخص‌سازی (صفت مبهم فلان) بازنمایی می‌شود که این امر بر پوشیدگی کلام افزوده است.

اگر میهن‌فروشی نیز دزدی است فلان سرور فلان سردار دزد است
فلان افسر که روز جنگ کرده است فرار از عرصه پیکار دزد است
(همان: ۲۳)

یکی از موضوعات اصلی «دیوان خروس لاری»، انتقاد از نظام طبقاتی و سختی‌ها و رنجهای قشر طبقه پایین جامعه است. ابوالقاسم حالت در این شیوه، کارگزاران را براساس طبقه اجتماعی و نقشی که بر عهده دارند، بازنمایی می‌کند. ثروتمندان را غالباً با ارزشدهی منفی بازنمایی می‌کند و از اینکه قانون برای آنان نسبت به فقیران یکسان اعمال نمی‌شود بشدت انتقاد می‌کند.

کی شود قانون حریف منعم گردن کلفت؟

حربه قانون برای گردن مشد اصغر است...

بچه دارا و مسکین درس یکسان خوانده‌اند

آن یکی اکنون وزیر و این یکی سردفتر است

(همان: ۲۷)

آنچه امسال زمستان به سر ما آورد تحفه‌ها بود که با یاری سرما آورد
از دماغ پسر رود ارس جاری ساخت وز برای ننه ام آنفولانزا آورد
اسکی و سرسره بازی و به هم برف زدن بهر اشراف از این گونه خوشی‌ها آورد
(همان: ۹۴) و...

ابوالقاسم حالت در انتقاد از نظام دیوان‌سالاری دولتی، غالباً کارگزارانی چون رؤسا، مدیران کل و کارمندان را با ارزشدهی منفی و براساس نقش و حرفه آنان بازنمایی می‌کند.

تا به دستور مدیر کل رئیس‌م کرده‌اند اهل خشم و کبر و ناز و باد و فیس‌م کرده‌اند

(همان: ۱۲۵)

آقای مدیر کل، یک خمره شکم دارد ترسم ترکد ناگه از بس که ورم دارد
هرگز نکشد باری، هرگز نکند کاری چون کار برای او انگار که سم دارد

(همان: ۸۰) و...

ابوالقاسم حالت در طنزهای اجتماعی از کارگزارانی انتقاد می‌کند که وظایف خود را بدرستی انجام نمی‌دهند. این کارگزاران، بیشتر صاحبان حرفه‌ها و مشاغل گوناگون از قبیل تاجر، معمار، آرایشگر و... هستند و در اغلب موارد براساس عامل طبقه‌بندی بازنمایی می‌شوند (همان: ۲۳-۱۱۵-۱۵۳-۴۸۰). ابوالقاسم حالت هم‌چنین بر ارزشهای اخلاقی بسیار تأکید می‌ورزد و از رواج بی‌بند و باری و نفوذ فرهنگ غربی در میان مردم بشدت انتقاد می‌کند. کارگزارانی که ارزشهای اخلاقی را رعایت نمی‌کنند در اشعار وی با صفات منفی چون «هوسباز»، «بی‌شرم و حیا»، «شکم‌خوار»، «چشم‌چران» و... بازنمایی می‌شوند (همان: ۱۵-۱۵۱-۱۵۷-۱۸۶)؛ به‌عنوان مثال ابوالقاسم حالت در یکی از اشعار، کسانی را که باده‌نوشی می‌کنند با کاربرد عامل طبقه‌بندی و زیرمجموعه ارزشدهی منفی «لات» و «اوباش» بازنمایی می‌کند. وی هم‌چنین با کاربرد عامل مشخص‌سازی چند موردی از نوع وارونگی، باده‌نوشان را برای تحقیر کردن «خر» می‌نامد. در این شعر بازتاب گرایش مذهبی ابوالقاسم حالت را نسبت به باده‌نوشی و هم‌چنین تنفر وی را از آنان می‌توان مشاهده کرد.

لات چون لب از عرق تر می‌کند	فتنه می‌انگیزد و شر می‌کند
شور می‌اوباش را خر می‌کند	آن چنان را آن چنان تر می‌کند

(همان: ۷۳)

از کارگزارانی که در «دیوان خروس لاری» بشدت از آنان انتقاد می‌شود، زنان هستند. این کارگزاران براساس هویت‌بخشی مقوله‌ای و با ارزشدهی‌های منفی چون «بدکاره»، «آفت پول»، «پتیاره»، «دهن لُق»، «حیله‌گر»، «خودسر» و... بازنمایی می‌شوند (همان: ۴۲-۹۹-۳۷۰-۳۹۷-۴۴۲). یکی از مضمونهای شعری ابوالقاسم حالت، نظیره‌های طنزآمیز عاشقانه است که در آنها معشوق، با ویژگیهای ظاهری مضحک و صفات منفی بازنمایی می‌شود. به‌طور کلی، گرایش زن‌ستیزی ابوالقاسم حالت را در «دیوان خروس لاری»، بسیار می‌توان مشاهده کرد (همان: ۴۳-۳۲۱-۳۲۸-۳۸۷).

عامل پوشیده‌گویی طبقه‌بندی در «مجموعه آثار محمدعلی افراشته» نیز بیشترین بسامد را دارد. پوشیده‌گویی محمدعلی افراشته را می‌توان با دلیلی چون غیرقانونی اعلام شدن حزب توده و سرکوب اعضای آن پس از ترور ناموفق شاه در سال ۱۳۲۷ش. توجیه کرد. هم‌چنین اعمال قانون مطبوعات در دهه بیست شمسی و بیم از

توقیف نشریه چلنگر از دیگر دلایل این پوشیده‌گویی به‌شمار می‌رود؛ چنانکه محمدعلی افراشته در یکی از اشعار خود می‌گوید:

سخن سربازتر گفتن شاید مبادا حکم توقیفش درآید
که با قانون تازه آب خوردن بود روزنامه را توقیف کردن
(افراشته، ۱۳۵۸: ۴۲)

همه ارکان قدرت در اشعار محمدعلی افراشته از قبیل شاه، دولتمردان، نمایندگان، نیروهای مسلح و نهادهای امنیتی، روحانیون، دربار، اربابان و ملاکین، نظام دیوان‌سالاری دولتی، قدرتهای امپریالیستی به شیوه عامل طبقه‌بندی و با ارزشدهی منفی بازنمایی و از عملکرد آنان انتقاد می‌شود.

محمدعلی افراشته بر خلاف ابوالقاسم حالت، رکن اصلی قدرت، یعنی شاه را آماج انتقاد خود قرار می‌دهد و این امر، صراحت کلام وی را نسبت به ابوالقاسم حالت فزونی می‌بخشد. او به نظام سلطنتی بی‌اعتناست و خود را آستان بوس شاهان نمی‌داند.

آستان بوس نی‌ام شاهان را شده‌ام نزد فقیران نوکر
(افراشته، ۱۳۵۸: ۴۴)

این چلنگر هست خیلی بی‌حیا شاه را کرده است یک پول سیا
(همان: ۱۷۲)

او هم‌چنین از بی‌توجهی شاه به بی‌عدالتی، که در حق کارگر و رنجبر روا داشته می‌شود و از خوشگذرانی شاه، در دوران قحطی و گرسنگی حاکم بر دهه بیست شمسی بشدت انتقاد می‌کند. بویژه در برهه زمانی سی تیر ۱۳۳۱ش. تا بیست و هشتم مرداد ۱۳۳۲ش. نیش انتقاد وی گزنده‌تر می‌شود به‌طوری که شاه را مهره استعمار، عامل کشتار حادثه سی تیر، حلقه به گوش نوکر، ظالم تبه‌کار و ... معرفی می‌کند.

آسوده بخواید که امن است و امان است در سایه الطاف شهنشاه جوان است...
در سی‌ام تیر این همه کشتار که دیدی یک گوشه ز الطاف ملوکانه شان است
(همان: ۱۲۴-۱۲۵)

در شعر زیر نیز شاه را به شیوه عامل طبقه‌بندی و کشورهای استعمارگر را به‌صورت تشخیص‌زدایی و زیرمجموعه انتزاعی کردن بازنمایی می‌کند و شاه را بازیچه آنها می‌داند.

مهره شطرنج کمتر باش ای شاه جهان! کم به ساز شوم استعمار آوازه بخوان
(همان: ۱۶۴)

در «مجموعه آثار محمدعلی افراشته» بر خلاف «دیوان خروس لاری»، ابیات بسیاری به انتقاد از نهادهای امنیتی و نیروهای مسلح اختصاص داده شده است. در این اشعار غالباً، عملکرد کارگزاران تیمسار، سرهنگ، افسر، آجان، پاسبان، قزاق و... هدف انتقاد واقع می‌شود (همان: ۴۹-۷۱-۹۱-۹۲-۱۴۶). محمدعلی افراشته از ارتشيانی که به روی تظاهرات حزب توده آتش گشوده، مردم را در سی تیر قلع و قمع، و دموکراتهای آذربایجان و کردستان را سرکوب کرده‌اند بشدت انتقاد می‌کند. او هم‌چنین از نیروهای امنیتی، که به بیگانگان وابسته هستند؛ اموال توده مردم را غارت می‌کنند؛ به قاچاق اسلحه می‌پردازند و... نیز بسیار انتقاد می‌کند.

بیا تا در «ارتش» تماشا کنیم	بیا پرده از روش بالا کنیم...
سر کارگرهای بیدار نفت	به فرمان ارتش چه بیداد رفت...
چه پیوزهایی همه قهرمان	نشانها آبر سینه تا روی ران
	(همان: ۱۷۹-۱۸۱) و...

البته این نکته را باید ذکر کرد که برخی از هواداران ارتشی حزب توده به ایجاد شبکه‌ای مخفی در نیروهای مسلح اقدام کرده بودند (آبراهامیان، ۱۳۸۴: ۳۹۱) که بازتاب این امر را نیز در اشعار محمدعلی افراشته می‌توان مشاهده کرد. او با بهره‌گیری از عامل جدا کردن، همه نیروهای ارتشی و نهادهای امنیتی را هدف انتقاد قرار نمی‌دهد، بلکه از افسران پاکی تمجید می‌کند که حافظان واقعی سرزمین هستند.

آن افسران پاک و جوان و عیالوار	آن صاحبان تاج درستی و افتخار
آن حافظان واقعی سرزمین ما	در حسرت از برای اتاقی سه در چهار...
پاینده باد افسر و سرباز توده‌ها	پاینده باد فرد هم آواز توده‌ها
	(افراشته، ۱۳۵۸: ۱۲۳) و...

محمدعلی افراشته هم‌چنین، سربازان ارتش را جزئی از توده خلق می‌داند که حاضر به آتش گشودن بر روی مردم نمی‌شوند. وی با ارزشدهی مثبت، این گروه از ارتشیان را بازنمایی می‌کند (همان: ۸۰-۱۲۲-۱۲۳-۱۴۶).

از دوران قاجار، یکی از ارکان اصلی قدرت را می‌توان نهاد روحانیت به‌شمار آورد. در اشعار محمدعلی افراشته برخلاف «دیوان خروس لاری»، از روحانیون نیز انتقاد می‌شود. محمدعلی افراشته در اشعار خود، همواره طبقه کارگر، رنجبر و دهقان را به شورش علیه نظام طبقاتی موجود ترغیب می‌کند و از اینکه روحانیون، توده مردم را به

پذیرش تقدیر و شرایط موجود فرا می‌خوانند، ابراز نارضایتی می‌کند. در واقع عقیده روحانیونی که می‌گویند خداوند عدل و داد را به هر کس هر چه را لایق بوده عطا کرده است و مالکیت خصوصی را باید محترم شمرد با نظر محمدعلی افراشته در تضاد قرار می‌گیرد که به برابری همه طبقات اجتماعی و قیام طبقه کارگر و دهقان برای از بین بردن بی‌عدالتی معتقد است. محمدعلی افراشته این رکن قدرت را بدون نامدهی و اشاره به هویت خاصشان غالباً براساس عامل طبقه‌بندی بازنمایی می‌کند. این امر می‌تواند بیانگر احتیاط طنزپرداز از رویارویی با روحانی خاص و بیم وی از خطر تکفیر آنان باشد.

«قلم زن چنین زد» چیه این سخن‌ها؟ بود حربه شیخ شیطان، دهاتی
(همان: ۱۱۴)
مالکی؟ باج زمین می‌طلبی شیخی؟ از بابت دین می‌طلبی؟
(همان: ۱۵۹) و...

این نکته را باید ذکر کرد که در برخی از اشعار محمدعلی افراشته، اعتقادات مذهبی وی را می‌توان مشاهده کرد؛ چنانکه وی حتی خود را پیرو امر امیرالمؤمنان می‌داند؛ بدین ترتیب با اینکه وی گرایشهای کمونیستی دارد، فردی مخالف دین نیست، بلکه صرفاً روحانیون و عملکرد منفی آنان را از نگاه خود، هدف انتقاد قرار می‌دهد.

خدا بندگان را همه دوست دارد نخواهد ستم بهر آنان دهاتی
(همان: ۱۱۴)
خصم ظلم و ظالم تا پای جان پیرو امر امیرالمؤمنان
(همان: ۱۷۳) و...

از سوی دیگر اگرچه ابوالقاسم حالت در «دیوان خروس لاری»، روحانیون را هدف انتقاد خود قرار نمی‌دهد، وی در دیگر اثر طنزآمیز خود، فکاهیات در سالهای آغازین دهه بیست شمسی به انتقاد از آنان می‌پردازد. وی در مقدمه فکاهیات، هدف انتقادی خود را نه همه روحانیون، بلکه تنها روحانی نمایان می‌داند و می‌گوید:

همچنین در یکی دو جا به برخی از شیادان که به لباس روحانیت ملبس شده‌اند، شدیداً حمله شده که ممکن است به آقایان علما و روحانیون حقیقی سوء تفاهمی دست دهد؛ لذا متذکر می‌شود که مقصود از سرودن این اشعار فقط مبارزه با ملانمایان بی‌سواد بوده و غرض خاصی به‌کار نرفته است (حالت، ۱۳۲۵: ۲).

از آنجا که ابوالقاسم حالت در اشعار جوانی خود در فکاهیات، تحت تأثیر تبلیغات منفی رضاشاه علیه روحانیون قرار دارد از این نهاد قدرت انتقاد می‌کند؛ اما در «دیوان خروس لاری» از این امر خودداری می‌کند که آن را می‌توان به دلیل پختگی، کمال و گسترش اعتقادات مذهبی شاعر و همچنین بازگشت دوباره روحانیون به مرکز قدرت در دوره پهلوی دوم و بیم ابوالقاسم حالت از خطر تکفیر آنان توجیه کرد.

محمدعلی افراشته هم‌چنین از قدرتهای غربی چون انگلیس و امریکا نیز انتقاد می‌کند. او از اقدامات انگلیسی‌ها و امریکایی‌ها برای دخالت در کشور، طراحی کودتا، غارت نفت ایران و مانع تراشیهای غربی‌ها پس از ملی شدن نفت ایران همواره انتقاد می‌کند؛ اما تیر انتقاد وی، تنها متوجه دولتهای امپریالیستی است و به دلیل گرایشهای کمونیستی بر خلاف ابوالقاسم حالت، شوروی را با ارزشدهی مثبت بازنمایی می‌کند.

ای تاجران اسلحه، امپریالیست پست ای دشمن تمدن، شرم از خدا کنید

(افراشته، ۱۳۵۸: ۱۳۶)

ز آمریک جاسوس آورده‌اند به فرماندهی مفتخر کرده‌اند

که با شوروی خاک زحمتکشان بجنگیم ارواح بابای شان

(همان: ۱۸۰) و...

یکی از اصلی‌ترین مضمونهای شعری محمدعلی افراشته، انتقاد از رنج و ستمی است که طبقه سرمایه‌دار، مالکان، اربابان و کارفرمایان بر طبقه کارگران، دهقانان، زحمتکشان و به‌طور کلی توده خلق روا می‌دارند. محمدعلی افراشته در مقام شاعر خلق، معتقد است که باید همه مردم با هم متحد شوند و علیه نظام سرمایه‌داری شورش کنند. وی هم‌چنین با کاربرد عامل طبقه‌بندی و زیرمجموعه هویت‌بخشی نسبتی بدون اینکه هویت خاص کارخانه‌داران و اربابان را افشا کند از قدرت و نفوذ گسترده آنان به دلیل روابط خویشاوندی با کنشگران سیاسی پرده برمی‌دارد.

مالک بی رحم را غم نیست نیست هستی اموال او کم نیست نیست...

ای برادر نیست غیر از مشیت تو اندر این دنیا پناه و پشت تو

(همان: ۱۱۸)

کارخانه چی و صاحبکارم همنشین با خود استاندارم

هست داماد من آقای وزیر خانمم دختر آقای امیر

خواهرم هست زن سرلشکر دخترش هست عروس جعفر...

(همان: ۷۷) و...

کارگزاران زن در اشعار محمدعلی افراشته بر خلاف اشعار ابوالقاسم حالت با ارزشدهی مثبت بازنمایی می‌شوند. محمدعلی افراشته به انتقاد از تبعیض جنسیتی می‌پردازد و ارزش انسان را نه براساس جنسیت، بلکه بر پایه اعتقادات و شیوه زندگی می‌داند؛ چنانکه هنگامی که به حادثه سرکوب تظاهرات حزب توده در جریان ورود هاریمن، دلال نفت امریکایی اشاره می‌کند، پروانه شیرینلو، دختر مبارز توده‌ای را که در آن واقعه، جلوی تانک ایستاد و یک پایش را از دست داد از شصت و شش پسر با گرایشهای پان پارازیتی برتر می‌داند.

بیا ببین هنر دختران ایران را بین نمونه ای از یک «جدید انسان» را...
اگر که دختر این است شصت و شش تا پسر ز نوع پان پارازیتها فدای این دختر
(همان: ۱۷۶) و...

۲-۱-۲-۴ عامل تشخیص‌زدایی

دومین عامل پر بسامد در اثر هر دو طنز پرداز، تشخیص‌زدایی است. دو زیرمجموعه اندام‌مداری و مکان‌مداری نیز در این عامل بسیار مشاهده می‌شود؛ به‌عنوان مثال، ابوالقاسم حالت و محمدعلی افراشته در بیشتر موارد به جای اشاره به هویت خاص کارگزاران، آنان را براساس مکانی بازنمایی می‌کنند که با نقششان در ارتباط است و بدین ترتیب از صراحت کلام خود می‌کاهند.

ابوالقاسم حالت با بهره‌گیری از این عامل از مجلس و قدرتهای بیگانه بسیار انتقاد می‌کند و تنها در یک مثال با کاربرد شگرد طنزنویسی آبرونی از دربار نیز انتقاد می‌کند. همه از مرحمت دولت و دربار بود این خوشی‌ها که کنون قسمت ایران شده است
(حالت، ۱۳۶۲: ۴۵)

این مجلس پر ز فتنه بی‌چون و چرا دارالشورش بود نه دارالشورا
(همان: ۱۰) و...

ابوالقاسم حالت در شعر زیر نیز از رواج بی‌بند و باری غربی در ایران انتقاد می‌کند و کارگزارانی را که تحت تأثیر فرهنگ غربی، ارزشهای دینی و اخلاقی را زیر پا می‌نهند به شیوه تشخیص‌زدایی و زیرمجموعه انتزاعی کردن بازنمایی می‌کند. آنچه در خاک اروپاست در اینجا هم هست

تحفه‌هایی که در آنجاست در اینجا هم هست...

رقص و لاسیدن و بی‌عفتی و بی‌دینی

گر که مقصود تو اینهاست در اینجا هم هست
(همان: ۵۲)

در سلطنت پهلوی، نزدیکی به شخص محمدرضا شاه اهمیت ویژه‌ای داشت به‌طوری که نزدیکترین افراد به شاه از نفوذ بسیاری برخوردار بودند. خاندان سلطنتی بیش از هر گروه دیگری به شاه نزدیک بودند و بر تصمیمات او تأثیر می‌گذاشتند و از مزایای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بهره می‌بردند (ازغندی و مرادی‌جو، ۱۳۹۵: ۹-۱۰). یکی از هدفهای انتقادی در اشعار محمدعلی افراشته، رکن قدرت دربار است که به فساد، فتنه‌گری، دخالت در انتخابات و... متهم می‌شود. وی غالباً بدون اشاره به هویت خاص این کارگزاران اجتماعی، آنان را براساس مکانی که در آن به ایفای نقش می‌پردازند، یعنی دربار بازنمایی می‌کند.

فتنه‌ها زیر سر دربار است	نقشه‌کش شخص بت عیار است
	(افراشته، ۱۳۵۸: ۱۹۱)
ملت این فتح اول کار است	وقت تحدید نقش دربار است
	(همان: ۱۹۷) و...

محمدعلی افراشته با بهره‌گیری از عامل تشخیص‌زدایی، دیگر ارکان قدرت چون «شاه: قبله عالم، تخت، کلاه»، «مجلس»، «قدرتهای امپریالیستی: امریکا و انگلیس» و... را هدف انتقاد قرار می‌دهد (همان: ۳۵-۹۸-۱۲۹-۱۳۲-۱۳۴-۱۳۸-۱۳۹). هم‌چنین در یکی از اشعار، کاربرد عامل تشخیص‌زدایی را در مخالفت محمد علی افراشته با ایدئولوژی باستانگرا می‌توان مشاهده کرد.

گسترش ایدئولوژی ناسیونالیسم باستانگرا یا ناسیونالیسم ایرانی به دوران پهلوی اول باز می‌گردد. برخی از ویژگیهای اصلی ناسیونالیسم باستانگرا عبارت است از: نژادپرستی، دین‌ستیزی، تأکید بر یکپارچگی ملی، اهتمام ویژه به ارتش و نظامیان و بی‌توجهی به اصول دموکراسی. در دوران پهلوی دوم نیز پس از کودتای مرداد ۱۳۳۲ش. زمینه بازگشت ناسیونالیسم باستانگرا فراهم شد (قنبرلو، ۱۳۹۲: ۸۸-۹۲).

محمدعلی افراشته در یکی از اشعار خود با استفاده از روش ابزارمداری به انتقاد از «رادیو» می‌پردازد. وی معتقد است که قدرتمندان با بهره‌گیری از رادیو به رواج ایدئولوژی باستانگرایی و فریب توده مردم می‌پردازند و آنان را به تحمل بی‌عدالتی موجود ترغیب می‌کنند. در این شعر هم‌چنین کاربرد عامل طبقه‌بندی از نوع هویت‌بخشی نسبتی را در انتقاد محمدعلی افراشته نسبت به تفاخر به نیاکان و پادشاهان پیشین می‌توان مشاهده کرد.

رادیو تهران بساط حرف مفت با حرارت ناطقی این‌طور گفت
از نژاد و نسل ساسانیم ما زاده مرحوم خاقانیم ما...
چونکه هستی از نژاد کیقباد گشنه هستی؟ باش جیکت درنیاد
(همان: ۱۶۷)

۳-۲-۱-۴ مشخص‌سازی چند موردی

در اثر هر دو طنزپرداز در بازنمایی کارگزاران اجتماعی به شیوه مشخص‌سازی چند موردی، بهره‌گیری از زیر مجموعه‌های وارونگی و نمادین‌شدگی بسامد بیشتری دارد. طنزپردازان از این روش برای پرهیز از بازنمایی کارگزاران با هویت خاص استفاده می‌کنند و بدین ترتیب از صراحت کلام خود می‌کاهند. در زیرمجموعه وارونگی، کارگزاران در بسیاری از موارد در قالب حیوانات بازنمایی می‌شوند. طنزپردازان گاهی از این روش برای تحقیر کارگزار مورد انتقاد خود، استفاده می‌کنند.

بپا نرنی دست به آنان که چو تیغند

بپا نخوری نیش از آنان که چو مارند

بپا که تو را عشق به میهن نکند شیر

کاین فرقه روباه صفت شیر شکارند

(حالت، ۱۳۶۲: ۱۳۶) و...

برای یک یا دو حیوان، دهاتی؟

که گفتست یک قریه انسان کند جان

(افراشته، ۱۳۵۸: ۱۱۴) و...

محمدعلی افراشته در یکی از اشعار خود، ارتشیانی را که در دهه بیست شمسی، شورشهای دموکراتهای آذربایجان را سرکوب می‌کردند براساس عامل نمادین‌شدگی به‌صورت «چنگیزخان» بازنمایی می‌کند. در این شعر می‌توان تمایل محمدعلی افراشته را نسبت به قیامهای خودمختاری آذربایجان و هم‌چنین خشم وی را نسبت به اعزام ارتش و سرکوب این شورشیان مشاهده کرد؛ چنانکه اقدامات ارتش را برای سرکوب دموکراتهای آذربایجان بسان قتل و غارت‌های چنگیزخان می‌داند.

بدیدی که در آذر آبادگان نکردند جز کار چنگیزخان...

نمودند بی‌هیچ پروا و بیم به تبریز هزاران نفر را یتیم

(همان: ۱۸۰)

ابوالقاسم حالت در شعری که در رثای امام حسین(ع) سروده است، کارگزاران ظالم

و فاسد روزگار خود را براساس عامل مشخص سازی چند موردی و زیرمجموعه نمادین شدگی، یزید، شمر و حرمله می نامد. ابوالقاسم حالت در این شعر ضمن اینکه نفرت خود را از کنشگران دغاپیشه و ظالم روزگار خود با بازنمایی آنان براساس شخصیت های منفی واقعه کربلا نشان می دهد از افشای هویت خاص این کنشگران می پرهیزد و جانب احتیاط را رعایت می کند. این نکته را باید ذکر کرد که بهره گیری از این شخصیت های تاریخی واقعه کربلا بر اعتقادات مذهبی طنزپرداز نیز دلالت می کند. در عهد حسین بن علی شمر یکی بود

امروز به هر گوشه دوصد شمر پلید است

بر هر که زنی دست یزیدی است ولیکن

خونخواری او طبق ره و رسم جدید است...

(حالت، ۱۳۶۲: ۲۴)

در اشعار محمد علی افراشته نیز می توان کاربرد شخصیت های تاریخی واقعه کربلا را در بازنمایی کارگزاران روزگار طنزپرداز مشاهده کرد. کاربرد این نمادهای تاریخی و مذهبی به جای اشاره به هویت خاص کارگزاران اجتماعی معاصر، ضمن اینکه بر تمایل محمد علی افراشته مبنی بر پوشیده گویی دلالت می کند، هم چنین اعتقادات مذهبی وی را نیز نشان می دهد.

قبله عالم سلامت باد، مطلب شد تمام	شد حسین ابن علی با خاندانش قتل عام...
در سر راه تو دیگر نیست مانع، ای یزید	بعد از این نبود کسی حق را مدافع، ای یزید
(افراشته، ۱۳۵۸: ۹۸-۱۰۰)	

در یکی از اشعار «دیوان خروس لاری»، کارگزار «پرستار» را می توان نمادی از شاه دانست. در این شعر، اعتقاد ابوالقاسم حالت را به پدرسالاری سنتی می توان مشاهده کرد. شاه در این شعر، سرپرستی بیست میلیون توده خلق را بر عهده دارد؛ بار سنگینی که حتی سام یل را نیز خسته می کند.

چو آن کسی که پرستار بیست بیمار است	بسی ز دست مریضان خود مچل باشد
چگونه آن که پرستار بیست میلیون شد	همیشه راضی و خشنود از این عمل باشد
بسان بار گرانی است سرپرستی خلق	که خسته گردد از آن گر چه سام یل باشد
(حالت، ۱۳۶۲: ۱۰۹)	

اما محمد علی افراشته، نفرت خود را از شاه با بازنمایی وی به صورت نمادین شدگی

«یزید بن معاویه»، نشان می‌دهد. شاه پس از حادثه سی تیر، طی اعلامیه‌ای به خانواده شهدا تسلیت گفت. محمدعلی افراشته نیز، متن اعلامیه را با اعمال تغییراتی در آغاز یکی از اشعار خود منتشر ساخت. در متنی که افراشته با دستکاری منتشر کرد، شاه در پایان نامه، خود را یزید بن معاویه می‌نامد.

«بدین وسیله تأثر بی‌پایان خود را از حادثه سی‌ام تیر ماه و کشتار مردم بی‌دفاع از این جهت اعلام می‌داریم و اشک تمساح می‌ریزیم... یزید بن معاویه» (افراشته، ۱۳۵۸: ۲۱۹). ابوالقاسم حالت در یکی از اشعار خود به شیوه مشخص‌سازی چندموردی، بزرگان و صاحبان قدرت را براساس نمادهایی چون غول، رستم و هرکول بازنمایی می‌کند. کاربرد این نمادها نشان‌دهنده اعتقاد ابوالقاسم حالت به قدرت و عظمت این کارگزاران است و به این دلیل مقابله با آنان را دشوار می‌بیند. بنابراین یکی از عوامل تمایل ابوالقاسم حالت را به پوشیده‌گویی با توجه به این امر می‌توان توجیه کرد.

این چنین پا مکن ای دوست به کفش حضرات

حمله امروز به هر غول مگر آسان است؟

مرد بی زور چه با این همه خر زور کند؟

جنگ با رستم و هرکول مگر آسان است؟

(حالت، ۱۳۶۲: ۳۷)

۲-۴-۱ حذف، نامشخص‌سازی و جنس ارجاعی

در اثر هر دو طنزپرداز، عامل پوشیده‌گویی حذف، بسامد زیادی ندارد. به‌طور کلی، هر دو طنزپرداز تمایل بیشتری دارند تا به جای حذف کارگزاران، هویت آنان را با دیگر شیوه‌های پوشیده‌گویی بازنمایی کنند. صفات و ضمائر مبهم در «دیوان خروس لاری» بیشتر مشاهده می‌شود و این امر بیانگر تمایل ابوالقاسم حالت بر پوشیده‌گویی بیشتر است؛ به‌عنوان مثال ابوالقاسم حالت در یکی از اشعار بدون اشاره به هویت خاص نمایندگان مجلس چهاردهم با کاربرد ادات ابهام آنان را بازنمایی، و از زد و بندهای انتخاباتی و فساد و بی‌کفایتی‌شان انتقاد می‌کند. هم‌چنین در این ابیات، کاربرد ضمیر مبهم «همه» در بازنمایی نمایندگان فاسد دلالت بر شمول می‌کند.

اکثریت شده تشکیل ز یک عده وکیل

که به معنی همه در جامعه خواری و ذلیل...

این به دست فلان کس شده در فارس هوار
و آن به دست فلانی شده از یزد و کیل...
همه را در اثر باده و تریاک و قمار
دل‌سیه، مغز تهی، جسم نوان، روح علیل
(همان: ۲۳۸-۲۳۹) و...
جنس ارجاعی در آثار محمدعلی افراشته بسامد بیشتری دارد و این امر در
گرایشهای سوسیالیستی وی ریشه دارد. او خود را شاعر توده‌ها می‌داند و در بسیاری از
اشعار، واژگانی چون «توده»، «مردم» و «خلق» را به کار می‌برد.
سنگر من قلبهای توده‌هاست چون که شعرم از برای توده‌هاست
(افراشته، ۱۳۵۸: ۱۷۲) و...

۲-۲-۴ عوامل صراحت بخشی

تحلیل و بررسی اشعار ابوالقاسم حالت و محمدعلی افراشته براساس عوامل صراحت
بخشی الگوی ون لیوون بدین شرح است:

۱-۲-۲-۴ نامدهی

عامل نامدهی در اشعار محمدعلی افراشته بسامد بیشتری دارد. ابوالقاسم حالت در
اشعار خود، اغلب به نامدهی توده مردم و یا شخصیت‌های تاریخی می‌پردازد و
کارگزاران سیاسی، اجتماعی و صاحب قدرت را براساس دیگر عوامل پوشیده‌گویی
بازنمایی می‌کند به گونه‌ای که تنها هشت درصد از کارگزارانی که وی با عامل نامدهی
بازنمایی کرده است، شخصیت‌های سیاسی و اجتماعی معروف هستند و هم‌چنین، فقط
در سه نمونه شعری، که در آغاز دهه بیست سروده است از عامل نامدهی برای بازنمایی
کارگزاران سیاسی استفاده کرده است.

شعر «خواب مختاری» در آبان ۱۳۲۰ ش. و شعر «بازجویی از مختاری» در مرداد
۱۳۲۱ ش. سروده شده است. ابوالقاسم حالت در این اشعار با نامدهی سرپاس مختاری،
رئیس شهربانی رضاشاه و دکتر احمدی، پزشک زندان به بیان جنایات آنان می‌پردازد و
رضاشاه را براساس عامل نامدهی، عامل اصلی این اتفاقات معرفی می‌کند. وی هم‌چنین
در این اشعار، کارگزاران صاحب قدرتی را چون شیخ خزعل، حاکم خرمشهر؛ فرخی
یزدی، شاعر توده‌ای؛ مدرس؛ عبدالحسین دیبا، نماینده مجلس در دوره ششم؛ فیروز

میرزا نصرت الدوله، وزیر دوره رضاشاه و حسین توفیق که مورد خشم رضاشاه واقع، و به دستور سرپاس مختاری کشته، و یا به زندان افکنده شده‌اند با عامل نامدهی بازنمایی می‌کند (حالت، ۱۳۶۲: ۵۱۹-۵۳۸-۵۳۹) این نکته را باید ذکر کرد که ابوالقاسم حالت، کارگزاران سیاسی را در دیوان خود هنگامی با عامل نامدهی بازنمایی کرده است که آنان در موقع سرودن این اشعار، دیگر فاقد قدرت هستند و یا کشته شده‌اند. این امر نشانگر این است که وی، جانب احتیاط را رعایت کرده و تنها هنگامی کارگزاران را با صراحت کامل بازنمایی نموده که خطری او را تهدید نمی‌کرده است.

محمدعلی افراشته در مقایسه با ابوالقاسم حالت از این عامل بهره بیشتری برده است. وی علاوه بر اینکه در اشعارش به نامدهی توده مردم پرداخته است، برخی از کارگزاران سیاسی، اجتماعی و صاحب قدرت را در حالی که هنوز بر مسند قدرت بودند با کاربرد عامل نامدهی، هدف انتقاد خود قرار داده است. سی و هفت درصد از کارگزارانی که وی با عامل نامدهی بازنمایی کرده است، شخصیت‌های سیاسی و اجتماعی شناخته شده‌ای هستند.

از جمله کارگزارانی که وی براساس عامل نامدهی هدف انتقاد خود قرار داده است می‌توان به ارتشانی چون سرتیپ زنگنه، تیمسار ارفعی، سرهنگ اخوی و دولتمردانی مانند قوام، محمدساعد مراغه‌ای، هژیر، نمایندگان و کارگزاران سیاسی چون حسین مکی، بقابی، آیت الله کاشانی، کارگزاران قدرتهای خارجی مانند ترومن، رئیس جمهور امریکا، موریسن، وزیر امور خارجه بریتانیا، شخصیت‌های درباری چون شهناز پهلوی، شاپور علیرضا و... اشاره کرد (افراشته، ۱۳۵۸: ۹۳-۱۱۲-۱۴۳-۱۳۷-۱۵۲-۱۶۲-۱۶۳-۱۷۱-۱۸۸-۱۹۴-۲۳۴-۲۰۶)؛ به‌عنوان مثال محمدعلی افراشته در یکی از اشعار خود عبدالحسین هژیر را، که سیاستمدار و نیز نخست وزیر کشور در سال ۱۳۲۷ش. بود به شیوه نامدهی بازنمایی، و وی را به صراحت به محاکمه و شورش حزب توده تهدید می‌کند. با اینکه عامل نامدهی در اشعار افراشته بسامد زیادی ندارد کاربرد آن در چنین موارد، سبب افزایش صراحت کلام طنزپرداز شده است.

قلندر قلچماقی نره شیری	جناب اشرف آقای هژیری...
سر لج بیش از این ما را نیارید	وزیر آقا شما محکوم دارید...
بترسید از قیام حزب توده	ز افکار و مرام حزب توده...
	(همان: ۱۵۲-۱۵۴)

۲-۲-۲ پیوندهی و جدا کردن

از عوامل پیوندهی و جدا کردن در اشعار هر دو طنزپرداز، بسیار محدود استفاده شده است. آنان غالباً از عامل جدا کردن برای جداسازی دو طبقه فقیر و غنی، ارباب و دهقان، کارگر و کارفرما و... استفاده می‌کنند و ضمن کاربرد این عامل به انتقاد از اختلاف طبقاتی می‌پردازند.

محمدعلی افراشته در یکی از اشعار خود با کاربرد عامل پیوندهی به رواج حزب توده در میان اقشار گوناگون جامعه می‌پردازد. از آنجا که این حزب به برابری همه شهروندان ایرانی بدون توجه به مذهب و نژاد معتقد بود، افراد بسیاری به عضویت در آن گرایش پیدا کرده بودند. محمدعلی افراشته در این شعر هم‌چنین با بهره‌گیری از عامل طبقه‌بندی، کارگزاران اجتماعی را براساس نژاد، مذهب، حرفه و... بازنمایی می‌کند و از هراس مرتجعان از گسترش این حزب در میان آحاد جامعه سخن می‌گوید. وی در نقل قول از مرتجعان نیز از عامل جدا کردن بهره می‌گیرد تا اعتقاد آنان را مبنی بر لزوم اختلاف طبقاتی و عدم برابری اقشار گوناگون جامعه نشان دهد.

گبر و ترسا و مسلمان و یهود	ترک، گیلک، فارس، لر، هر تیره بود
هر که از بازوی خود سرمایه داشت	نام خود را فرقه توده گذاشت
ما ندیدیم هیچ حزبی این چنین	ارمنی هم با مسلمان همنشین؟...
حرف‌های شاخ داری می‌زنید	فعله را با ما برابر می‌کنید...
بی‌سر و بی‌پا کجا، اعیان کجا؟	برزگر لختی کجا و خان کجا؟
	(همان: ۳۳-۳۴)

ابوالقاسم حالت نیز در شعر زیر از عامل جدا کردن بهره می‌گیرد و از فاصله طبقاتی و غارت دسترنج رنجبران انتقاد می‌کند.

آنچه آقا می‌کند ظلم است ظلم	و آن چه نوکر می‌کند کار است کار
آنچه آقا می‌برد سود است سود	و آن چه نوکر می‌برد بار است بار
	(حالت، ۱۳۶۲: ۱۹۷)

۳-۲-۲ نوع ارجاعی

در این پژوهش در بررسی عامل نوع ارجاعی، زیرمجموعه گروه ارجاعی ملاک بررسی قرار گرفته است؛ یعنی کارگزاران خاص و مشخصی که در قالب گروه ارائه شده‌اند. هم‌چنین در زیرمجموعه فرد ارجاعی، تنها ابیاتی که نام خداوند در آنها ذکر شده

بررسی شده است؛ زیرا در دیگر ابیاتی که کارگزاران سیاسی و اجتماعی به شیوه فرد ارجاعی بازنمایی شده است، نشانی از اعمال گفتمان‌مدار و یا عوامل گفتمان‌مدار مشاهده نشد.

احزاب گوناگون از جمله کارگزارانی هستند که محمدعلی افراشته و ابوالقاسم حالت، آنها را غالباً براساس عامل نوع ارجاعی بازنمایی می‌کنند. محمدعلی افراشته براساس عامل نوع ارجاعی، احزابی را که گرایشهای پان ایرانیستی دارند مانند «سومکا» و «پان» هدف انتقاد قرار می‌دهد و همواره از حزب توده و ملت ایران تمجید می‌کند (افراشته، ۱۳۵۸: ۳۳-۱۲۵-۱۵۵-۱۸۷). در حالی که ابوالقاسم حالت به انتقاد از حزب توده و حزب وطن می‌پردازد و آنها را به بیگانگان، یعنی شوروی و انگلیس وابسته می‌داند (حالت، ۱۳۶۲: ۴۰۷-۴۸۶).

۳-۴ بررسی کمی پژوهش

نتایج بررسی کمی عوامل گفتمان‌مدار الگوی ون لیوون در تمام شعرهای «دیوان خروس لاری» و «مجموعه آثار محمدعلی افراشته» و هم‌چنین میزان رازگونی کلام در آنها بدین ترتیب است:

جدول شماره ۱. بسامد عوامل پوشیده‌گویی در «دیوان خروس لاری»

طبقه‌بندی	تشخیص‌زدایی	مشخص‌سازی چند موردی	نامشخص‌سازی ی	حذف	جنس ارجاعی
مورد ۴۲۰۸ درصد ۴۱/۸۹	مورد ۲۰۹۹ درصد ۲۰/۸۹	مورد ۱۲۴۷ درصد ۱۲/۴۱	مورد ۱۰۶۱ درصد ۱۰/۵۶	مورد ۲۹۱ درصد ۲/۸۹	مورد ۲۸۱ درصد ۲/۷۹

جدول شماره ۲. بسامد عوامل صراحت‌بخشی در «دیوان خروس لاری»

نوع ارجاعی	نامدهی	پیونددهی	جدا کردن
مورد ۳۰۸ درصد ۳/۰۶	مورد ۲۸۴ درصد ۲/۸۲	مورد ۱۵۱ درصد ۱/۵	مورد ۱۱۴ درصد ۱/۱۳

میزان پوشیدگی کلام در «دیوان خروس لاری» براساس فرمول ذیل: ۹۱/۴۶ درصد

مجموع ارجاعات پوشیده ۱۰۰×

کل ارجاعات پوشیده و صریح

میزان رازگونی متن =

جدول شماره ۳. بسامد عوامل پوشیده‌گویی در «مجموعه آثار محمدعلی افراشته»

طبقه‌بندی	تشخیص‌زدایی	مشخص‌سازی چند موردی	نام‌مشخص‌سازی	حذف	جنس ارجاعی
مورد ۲۲۷۹ درصد ۵۰/۲۹	مورد ۷۸۷ درصد ۱۷/۳۶	مورد ۲۹۳ درصد ۶/۴۶	مورد ۲۳۴ درصد ۵/۱۶	مورد ۸۶ درصد ۱/۸۹	مورد ۲۸۸ درصد ۶/۳۵

جدول شماره ۴. بسامد مؤلفه‌های صراحت بخشی در «مجموعه آثار محمدعلی افراشته»

نوع ارجاعی	نامدهی	پیوندهی	جدا کردن
مورد ۲۰۰ درصد ۴/۴۱	مورد ۳۰۶ درصد ۶/۷۵	مورد ۲۵ درصد ۰/۵۵	مورد ۳۳ درصد ۰/۷۲

میزان پوشیدگی کلام در «مجموعه آثار محمد علی افراشته»: ۸۷/۵ درصد

۵. نتیجه‌گیری

در این پژوهش به تحلیل انتقادی گفتمان دو اثر طنزآمیز «دیوان خروس لاری» از ابوالقاسم حالت و «مجموعه آثار محمدعلی افراشته» به کوشش نصرت‌الله نوح براساس الگوی ون لیوون (۱۹۹۶م.) پرداخته شد. با توجه به پرسش اول این پژوهش، این نتیجه به‌دست آمد که محمدعلی افراشته و ابوالقاسم حالت برای بازنمایی کارگزاران اجتماعی، بیشتر از عوامل پوشیده‌گویی الگوی ون لیوون در اشعار خود بهره می‌گیرند؛ چنانکه دو عامل طبقه‌بندی و تشخیص‌زدایی در کلام آنان بیشترین بسامد را دارد. بنابراین هر دو طنزپرداز تمایل دارند تا در انتقادات خود، جانب احتیاط را رعایت، و کارگزاران را غالباً به شیوه‌های پوشیده‌گویی بازنمایی کنند.

هر دو طنزپرداز به حذف کلی کارگزاران اجتماعی تمایل چندانی ندارند، بلکه خواستار بازنمایی کارگزاران با دیگرل شیوه‌های پوشیده‌گویی هستند. ابوالقاسم حالت در «دیوان خروس لاری» از عامل نام‌مشخص‌سازی، یعنی صفات و ضمائر مبهم، بهره بیشتری برده است که این امر، کلام او را پوشیده‌تر کرده است. عامل نامدهی در اشعار محمدعلی افراشته نسبت به اشعار ابوالقاسم بسامد بیشتری دارد. هم‌چنین محمدعلی افراشته در برخی از ابیات خود، کارگزاران سیاسی و اجتماعی را، که بر مسند قدرت

قرار دارند نامدهی می‌کند و آنان را هدف انتقاد خود قرار می‌دهد در حالی که ابوالقاسم حالت، هنگام انتقاد از کارگزاران سیاسی و اجتماعی صاحب قدرت، هرگز آنان را با عامل نامدهی بازنمایی نمی‌کند. این امر بر صراحت کلام محمدعلی افراشته نسبت به اشعار ابوالقاسم حالت می‌افزاید؛ بدین ترتیب، علاوه بر اینکه از حیث آماری، پوشیده‌گویی در اشعار ابوالقاسم حالت اندکی بسامد بیشتری دارد، شیوه بهره‌گیری از عوامل نیز کلام او را پوشیده‌تر کرده است.

با توجه به پرسش دوم نیز این نتیجه به‌دست آمد که بررسی آماری تمام عوامل پوشیده‌گویی و صراحت بخشی کلام در اشعار هر دو طنزپرداز، نشان‌دهنده میزان بسیار پوشیده‌گویی در آنها است. اگرچه میزان این پوشیده‌گویی در اشعار ابوالقاسم حالت، اندکی افزایش دارد در اشعار محمدعلی افراشته نیز از بسامد زیادی برخوردار است. ابوالقاسم حالت در سالهای ۱۳۳۲-۱۳۲۰ش. مقامات سیاسی را با بسامد بیشتری هدف انتقاد قرار می‌دهد در حالی که پس از سال ۱۳۳۲ش. جانب احتیاط را بیشتر رعایت می‌کند و غالباً از کنشگران اجتماعی، زنان و کسانی که صفات منفی اخلاقی دارند، انتقاد می‌کند. از جمله کارگزارانی که در اشعار ابوالقاسم حالت آماج انتقاد قرار می‌گیرند، می‌توان به دولتمردان، نمایندگان، اربابان و مالکان، قدرتهای غربی و شوروی، حزب توده و حزب وطن، رؤسا و مدیران ادارات، برخی از صاحبان حرفه‌ها و مشاغل گوناگون، برخی از کارمندان، زنان، کارگزارانی که دارای صفات منفی اخلاقی هستند و تنها در یک مورد، دربار و نیروهای مسلح، اشاره کرد. هم‌چنین ابوالقاسم حالت، هیچ‌گاه از محمدرضا شاه انتقاد نمی‌کند و در «دیوان خروس لاری» نیز به انتقاد از روحانیون نمی‌پردازد. این امر را با توجه به حزم‌اندیشی، گرایشهای پدر سالاری سنتی و اعتقادات مذهبی وی می‌توان توجیه کرد. اگرچه ابوالقاسم حالت در دیگر اثر طنزآمیز خود، فکاهیات از شیادانی که به لباس روحانیت ملبس شده‌اند، انتقاد می‌کند برای علما و روحانیون حقیقی احترام قائل است. ابوالقاسم حالت، هم‌چنین از رکن قدرت دربار و ارتش، تنها در یک بیت انتقاد می‌کند که این امر، نشان‌دهنده این است که او بیشتر تمایل دارد تا راه با احتیاط بپیماید و از گذرگاه‌های خطرآفرین دوری کند.

محمدعلی افراشته علاوه بر کارگزارانی که ابوالقاسم حالت از آنها انتقاد می‌کند به انتقاد از شاه، روحانیون، دربار، نیروهای مسلح و نهادهای امنیتی نیز می‌پردازد. وی با

عبور از خط قرمزها، محمدرضا شاه را براساس عامل مشخص سازی چند موردی، یزیدبن معاویه می نامد. به طور کلی، محمدعلی افراشته در مقایسه با ابوالقاسم حالت در انتقاد از ارکان اصلی قدرت، هراسی ندارد و این امر بر صراحت کلام وی افزوده است. او به دلیل گرایشهای سوسیالیستی، هنگام انتقاد از قدرتهای خارجی، تنها کشورهای امپریالیستی را هدف انتقاد قرار می دهد. عامل جنس ارجاعی نیز در اثر محمدعلی افراشته بازتاب بیشتری دارد و این امر در گرایشهای سوسیالیستی او ریشه دارد؛ چنانکه او خود را شاعر توده ها می داند و در بسیاری از اشعار خود واژگانی چون توده، ملت و خلق را به کار می برد. محمدعلی افراشته بر خلاف ابوالقاسم حالت به برابری جنسیتی معتقد است و زنان را با ارزشدهی مثبت بازنمایی می کند. این نکته را باید ذکر کرد که با توجه به آزادی حاکم بر دوره زمانی سی تیر ۱۳۳۱ش. تا بیست و هشتم مرداد ۱۳۳۲ش. انتقادات محمدعلی افراشته نیز صراحت بیشتری می یابد.

پی نوشتها

- | | |
|----------------------|-------------------------------|
| 1. social actors | 17. objectivation |
| 2. exclusion | 18. single determination |
| 3. inclusion | 19. overdetermination |
| 4. personalization | 20. inversion |
| 5. impersonalization | 21. symbolisation |
| 6. determination | 22. connotation |
| 7. indetermination | 23. distillation |
| 8. association | 24. functionalisation |
| 9. differentiation | 25. appraisalment |
| 10. nomination | 26. classification |
| 11. categorization | 27. relational identification |
| 12. genericization | 28. physiacal identification |
| 13. specification | 29. individualisation |
| 14. suppression | 30. assimilation |
| 15. backgrounding | 31. collectivisation |
| 16. abstraction | 32. aggregation |

منابع

- آبراهامیان، یرواند؛ *ایران بین دو انقلاب: درآمدی بر جامعه شناسی سیاسی ایران معاصر*؛ ترجمه احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی، چ یازدهم، تهران: نشر نی، ۱۳۸۴.

- آقاگل زاده، فردوس؛ *تحلیل گفتمان انتقادی*؛ چ سوم، تهران: علمی و فرهنگی، ۳۹۴.
- ازغندی، علیرضا و علی جان مرادی‌جو؛ «حلقه درونی قدرت در ساختار سیاسی حکومت پهلوی دوم (۱۳۴۲-۱۳۵۷)»؛ *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی*، س ۷، (ش ۲۷)، تابستان ۱۳۹۵، ص ۳۵-۱.
- افراشته، محمدعلی؛ *مجموعه آثار محمدعلی افراشته*؛ گردآورنده: نصرت‌الله نوح، تهران: توکا، ۱۳۵۸.
- بهزادی اندوهج‌ردی، حسین؛ *طنز و طنزپردازی در ایران*؛ تهران: صدوق، ۱۳۷۸.
- حالت، ابوالقاسم؛ *دیوان خروس لاری*؛ (بیجا): تالار کتاب، چ پارت، ۱۳۶۲.
- _____؛ *فکاهیات حالت*؛ ج دوم، بی نا، بی جا، ۱۳۲۵.
- رحمانیان، داریوش؛ *ایران بین دو کودتا: تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران از انقراض قاجاریه تا کودتای ۲۸ مرداد*؛ چ سوم، تهران: سمت، ۱۳۹۴.
- رضوی، مسعود؛ *تاریخ توفیق: سرگذشت طنز در مطبوعات ایران*؛ تهران: سوفیا، ۱۳۹۵.
- فرکلاف، نورمن؛ *تحلیل انتقادی گفتمان*؛ ترجمه فاطمه شایسته پیران و همکاران، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۷۹.
- قنبرلو، عبدالله؛ «ناسیونالیسم و اسلام‌گرایی در تعاملات فراملی ایران معاصر»؛ *دو فصلنامه علمی-تخصصی جامعه پژوهشی فرهنگی*، س چهارم، ش سوم، (پاییز ۱۳۹۲)، ص ۸۳-۱۰۶.
- یارمحمدی، لطف‌الله؛ *ارتباطات از منظر گفتمان‌شناسی انتقادی*؛ چ دوم، تهران: هرمس، ۱۳۸۹.
- _____؛ *درآمدی به گفتمان‌شناسی*؛ چ دوم، تهران: هرمس، ۱۳۹۳.
- Van Leeuwen, Theo; *The Representation Of Social Actors*; Edited by Carmen Rosa Caldas-Coulthard & Malcom Coulthard; *Texts and Practices: Readings in CDA* ; First Published, London: Routledge, 1996
- _____؛ *Representing Social Actors , Discourse and Practice: New Tools For Critical Discourse Analysis*, Oxford University Press, 2008